

چهار روش پایه در تربیت کودک



انجام بده.

کودکانی که والدین سلطه‌گر دارند، اغلب خصوصیات روانی زیر را نشان می‌دهند:

- دارای اعتماد به نفس پایینی هستند و برای سازگاری با قوانین و مقررات، توانایی لازم را ندارند.
- سخت‌گیری‌های خشک والدین، روح کودک را می‌آزارد و او را به مقاومت، مخالفت یا حتی شورش می‌کشاند.
- کودک به‌طور معمول نمی‌خواهد کاری با قوانین و ارزش‌های پدر و مادرش داشته باشد و تمایل دارد آرمان‌های آنان را کنار بگذارد.
- کودک ممکن است جذب کودکانی که علیه والدین‌شان یا قوانین کلی جامعه قیام می‌کنند، شود.
- ممکن است با صدای بلند، خواهان حق و حقوق خود شود.

۲- والد غافل

والد غافل، هم در عشق‌ورزیدن به کودکان و هم در مهار کردن آن، کوتاهی می‌کند. روش آنان دلسوزانه و پخته نیست و تنها زمانی به‌ناچار به کودک رومی‌آورند که خیلی عصبانی باشند. این پدر و مادران با استخدام پرستاران کودک، تمایل دارند خود را از فرزندان‌شان دور نگاه‌دارند و در فعالیت‌های شغلی خود غرق شوند.

«دکتر آرماند نیکولی»، روان‌پزشک و استاد دانشکده‌ی «هاروارد»

پدران و مادران برای تربیت فرزندان‌شان، در خانه، روش‌های گوناگونی به‌کار می‌برند که آقای «گری اسمالی»، آن را به چهار گروه زیر تقسیم می‌کند:

۱- والد سالارمنش یا سلطه‌گر

والدین سالارمنش، منفی‌ترین خصلت‌ها را در کودکان پرورش می‌دهند و به‌طور معمول معیارها و انتظارات زیادی دارند. با وجود این، به‌ندرت از کودکان‌شان دلسوزانه حمایت می‌کنند و درباره‌ی مقررات خشک‌شان، کم‌تر توضیح می‌دهند. آنان انعطاف‌ناپذیر و سرسخت‌اند و به‌علت باورهای سفت و سخت‌شان، از فرزندان می‌خواهند از انجام برخی فعالیت‌ها، خودداری نمایند اما از آن‌جایی که بچه‌ها دلایل غلط‌بودن آن فعالیت‌ها را نمی‌دانند، ممکن است مخفیانه آن‌ها را انجام دهند.

برخی نظرها و اعمال سالارمنشانه‌ی این پدر و مادران عبارت‌اند از:

- قانون، قانون است. دیر کرده‌ای، برو بخواب، از شام خبری نیست.
- احتیاجی به دلیل بافی نیست، فقط چیزی رو که بهت می‌گم، انجام بده.
- مهم نیست چندتا از دوستان اون‌جا هستند. تو نمی‌ری و نمی‌خوام کلمه‌ای هم درباره‌ی اون بشنوم. شنیدی چی گفتیم؟
- چندبار به تو گفته‌ام اون کار رو نکن؟ برو اون کاری رو که گفتیم،

اعتقاد دارد که والدین غافل، فقط وقتی از خانه دورند، غایب نیستند بلکه زمانی هم که در منزل هستند، حضورشان حس نمی‌شود و فرزندان از مهم‌ترین عامل‌های زندگی یعنی دسترسی به عواطف محروم‌اند. در خانه هم که هستند، معمولاً به حرف بچه‌ها توجهی نشان نمی‌دهند.

۳- والد آسان‌گیر

والدین آسان‌گیر تمایل دارند گرم و مهربان و حمایت‌کننده باشند اما در اجرای مقررات و قوانین و تعیین حدود برای فرزندان‌شان، ضعیف هستند. بسیار گرم و مهربان‌اند و کودک را به‌خوبی می‌پذیرند. خبری از مقررات سفت و سخت نیست. آنان به‌طور معمول در برابر خواسته‌های کودک، تسلیم هستند. حتی زمانی که کودک مزاحمت ایجاد می‌کند، او را تنبیه نمی‌کنند و نظم و انضباط را به او نمی‌آموزند.

شاید نیت آنان، خیر است، اما ملایمت‌شان در کودک، تأثیر منفی دارد. این گروه از والدین، همه‌ی تصمیمات در زمینه‌ی گذراندن ساعت‌های فراغت را به خود کودک می‌سپارند.

یکی از عمده‌ترین دلایلی که برخی پدر و مادران بسیار آسان می‌گیرند، این است که می‌ترسند نکنند اگر خیلی جدی باشند، به فرزندان‌شان آسیبی برسد غافل از این‌که ترس از روبه‌رو شدن با کودکان‌شان، ممکن است عملاً همان چیزهایی را که از آن می‌ترسیدند، بر سرشان آورد. با زیاد آسان گرفتن، کودک به انجام اعمال نامطلوب مانند کتک‌زدن کودکان دیگر، روی در و دیوار نوشتن و شکستن اشیاء می‌پردازد.

اظهارنظرها و اعمال زیر، نمونه‌ای از عملکردهای والدین آسان‌گیر است:

- باشه، اشکالی نداره. تو می‌تونی این بار دیر بخوابی. می‌دونم این برنامه رو دوست داری.
- بدم میاد تو رو زیر این همه بار تکالیف مدرسه ببینم. چرا فردا استراحت نکنی؟ به معلمت می‌گم که مریض بودی.
- نشینیدی برای شام خوردن صدات کردم؟ باشه، اشکالی نداره، بشین. دوست ندارم شامت سرد بشه.

کودکانی که والدین آسان‌گیری دارند، واکنش‌های زیر را نشان می‌دهند:

- کودک احساس ناامنی می‌کند، اگرچه به دیوار محکمی تکیه می‌دهد اما دیوار فرومی‌ریزد.
- کودک اعتمادبه‌نفس کمی دارد زیرا یاد نگرفته زمان و زندگی‌اش را مدیریت کرده و نظم و ترتیب را رعایت نماید.

■ کودک می‌آموزد از آن‌جا که معیارها محکم نیست، می‌تواند مقررات را بشکند.

۴- والد مهربان و جدی

آنان به‌طور معمول برای مقررات، محدودیت‌ها و معیارهای زندگی، تعاریف روشنی دارند و برای تعلیم این محدودیت‌ها به فرزندان‌شان، وقت صرف می‌کنند. البته با ابراز محبت جسمانی و وقت‌گذاشتن برای شنیدن حرف‌های کودک، حمایت لازم را از او به‌عمل می‌آورند. آنان انعطاف‌پذیرند و تمایل دارند به همه‌ی حقایق، گوش فرادهند.

والد مهربان و جدی، ترکیب سالم و متوازنی از والد «سالارمنش» و «آسان‌گیر» است. استوارند و مقررات تعریف‌شده‌ای دارند، مانند: «تو نباید به‌عمد به دیگران صدمه بزنی.» اما این تأکید، با محبت و ملایمت ابراز می‌گردد.

والدین مهربان و جدی، نظرات خود را این‌گونه بیان می‌کنند:

- تو دوباره سر شام دیر اومدی، ما چگونه می‌تونیم با هم این مسأله رو حل کنیم؟ (پدر و مادر برای پیدا کردن راه‌حل، همراه کودک، وقت صرف می‌کنند.)
- ای کاش می‌تونستم به تو اجازه بدم امشب دیرتر بخوابی اما ما روی این ساعت، با هم به توافق رسیده‌ایم.
- وقتی هر دو آرام شدیم، بیا ببینیم لازمه چه کاری انجام بدیم.
- تو واقعاً گیر کرده‌ای، درسته؟ این بار به تو کمک می‌کنم، ببینم دفعه‌ی بعد، خودت چه می‌کنی؟
- تو اجازه داری به تلفن جواب بدی اما اول باید جواب درست‌دادن رو بیاموزی.

خصوصیات کودکانی که والدین مهربان و جدی دارند:

- حمایت گرم و محدودیت‌های روشن و تعریف‌شده، اعتمادبه‌نفس را در کودک پرورش می‌دهد.
- می‌آموزد در موقعیت‌های مختلف، رفتار کنترل‌شده‌ای نشان دهد و از این امر، احساس رضایت نماید.
- وقتی کودک درک می‌کند محدودیت‌هایی هست که تخطی‌ناپذیرند و او علت آن‌ها را می‌فهمد، دنیای امن‌تری خواهد داشت.
- از آن‌جا که روابط کودک با پدر و مادرش، گرم و ذهنش برای پذیرش افکار دیگران، باز است، احتمال سرکشی‌های دوران نوجوانی، کم‌تر می‌شود.
- کودکانی که دارای پدر و مادری مهربان و جدی هستند، دارای بالاترین رتبه‌ی اعتمادبه‌نفس، سازگاری با مقامات مدرسه و محیط علاقه‌ی بیش‌تر به باورهای مذهبی و اعتقادی هستند.

ترجمه و تنظیم: شیرین شاه‌فر